

مجموعه‌ی «به ما نگاه کنید» از مهشید نوشیروانی (۱۳۲۹-تهران) که حاصل عکاسی از کارخانه‌هایی از جمله مالیل و زیرمجموعه‌های مارگارین مانند خروس نشان و خلیج در سال ۱۳۵۷ تهران بوده است، در اردیبهشت و خردادماه سال جاری درگالری امکان تهران به روی دیوار رفت. نوشیروانی که دانش آموخته‌ی عکاسی مستند از دانشگاه ییل<sup>۱</sup> است، برای نخستین بار در سال ۱۳۵۸، این مجموعه را تحت عنوان «کار و کارگر» در مرکز هنری باغ فردوس به نمایش درآورد.

آثار این نمایشگاه را که شامل ۴۰ قطعه عکس آنالوگ است می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. بخش نخست در برگرفته‌ی ۱۹ عکس پرتره‌ی محیطی سیاه و سفید از مردان و زنانی است که در مقابل دوربین نوشیروانی قرار گرفته‌اند. بخش دوم شامل ۱۲ قطعه عکس رنگی با همان موضوع و بخش سوم چاپ‌هایی به صورت کانتکت<sup>۲</sup> که به نظر می‌رسد عکس‌هایی از فضای زندگی کارگران باشد. مجموعه‌ی این عکس‌ها بیش از آن که یادآور شیوه‌های مستندنگاری باشند تداعی کننده‌ی عکس‌های یادگاری‌اند؛ پرتره‌های گروهی و دسته جمعی با آن ژست‌های سراسر است و نگاه‌های خیره به دوربین که غیرمستقیم می‌گویند ما اینجا بوده‌ایم. اگر چه نوشیروانی در ثبت عکس‌هایش از مردان، زاویه‌ی دوربین خود را به گونه‌ای انتخاب کرده است تا با نگاهی از پایین به بالا به آن‌ها منزلت بیشتری ببخشد، افراد عکس‌های او فاقد ابهت‌اند؛ چنین برخوردی در مواجهه با زنان دیده نمی‌شود و آنان را هم‌سنگ و هم کفو خود به تصویر می‌کشد. او به عنوان یک راوی بیرونی، در محیط قرار گرفته است و آنقدر حضورش خارج از عرف به نظر می‌رسد که کارگران دست از کار کشیده و با نگاه‌هایی گاه متعجب، گاه خندان و گاه عاری از احساسات در مقابل دوربین به خط ایستاده‌اند.

نه تنها کارگران برای شیروانی به مثابه‌ی دیگری‌اند که خود نیز برای آن‌ها دیگری حکم دیگری دارد. هگل<sup>۳</sup> معتقد است انسان زمانی می‌تواند از خویشتن خودآگاهی پیدا کند که از چیز دیگری که خودش نیست، آگاهی پیدا کند. از نظر او انسانی که نخستین بار با انسان دیگر برخورد می‌کند، خویشتن را انسان می‌پندارد و از انسان بودن خود اطمینان ذهنی پیدا می‌کند؛ ولی برای این که این اطمینان ذهنی و تصوّر به مرتبه‌ی علم برسد، باید تصوّر را که از خویشتن در ذهن دارد، بر دیگران تحمیل کند و فرد دوم نیز به اقتضای انسانیتش به همین سان رفتار می‌کند. بدین ترتیب نخستین کنش آغاز شده و پیکار بین عکاس و سوژه برای شناخت متقابل صورت می‌گیرد؛ هر یک به زعم خویش در تلاشند تا خود و دیگری را باز شناسد، یکی با چشم‌هایش دیگری با دوربین عکاسی‌اش.

۱. Yale University

۲. Contact Sheet

۳. Georg Wilhelm Friedrich Hegel

بر خلاف آنچه که در متن بیانیه آمده است: « شرایط سخت کاری، لباس‌های فرم بی‌قواره، بدن‌های تحلیل‌رفته در کاری تکراری، جوانی‌های از دست رفته یا رویایی که هرگز محقق نشدند...» و قصد دارد با ایجاد حسرت و اندوه مخاطب را با خود همراه کند، ناامیدی و خستگی ناشی از کار در این عکس‌ها از نظرها غایب است. عنوان مجموعه « به ما نگاه کنید» مخاطب را به تماشا دعوت می‌کند و آنچه که در وهله‌ی نخست به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا خود نوشیروانی به عنوان مؤلف، با این عنوان همراه و همدل بوده است؟ غالب کادربندی‌های او به گونه‌ای است که پیکرها به گوشه‌ی کادر چسبیده و نیمی از بدن از دید خارج شده‌اند و یا چهره‌ی شخصی پشت دیگری پنهان شده است؛ آیا خود او در هنگام ثبت، توجه کافی به سوژه‌هایش مبذول داشته است؟ شاید با نگاهی خوش بینانه بتوان این امر را کنایه‌ای از به حاشیه رانده‌شدن کارگران در آن برهه‌ی زمانی دانست؛ اما به راستی عکاس خود، چنین دیدگاهی داشته است؟

عکس‌های نوشیروانی از باب زیبایی شناسی با جهانی که لویس هاین<sup>۱</sup> جامعه‌شناس و عکاس آمریکایی از مکان‌های صنعتی خلق کرده است بسیار متفاوت‌اند اما در نگاه اول یادآور عکس‌های او هستند. در باب ارزش‌گذاری در مورد گرته‌برداری نوشیروانی از آثار هاین یا حتی در بافتی وسیع‌تر گرته‌برداری عکاسان ایرانی از افراد شناخته‌شده‌ی جهان، بایستی به این گفته‌ی رابرت لویی استیونسن<sup>۲</sup> اشاره کرد که عنوان می‌کند: «تقلید در هنر و به‌خصوص در عکاسی جایز است. تجربه‌ی دیگران به‌سختی به دست آمده است. بنابراین یافتن آن تجربیات نیاز به تقلید دارد. آگاهانه یا ناآگاهانه، تقلید نقش میمون ساعی را ایفا می‌کند که حرکات را باید موبه‌مو آموخت، تجربه کرد تا بتوان جای پای جدیدی در هنر بر جای گذاشت.» در نتیجه گرته‌برداری به خودی خود عملی مذموم نیست؛ اما اگر این تقلید، همراه با درک جهان‌بینی آنان نباشد، هنرمند را به یک دستگاه کپی صرف تقلیل می‌دهد. «به ما نگاه کنید» عاری از نقصان نیست، اما ارزشمند است. غبار زمان بر تک تک عکس‌ها نشسته و آن‌ها را به تقویمی از تاریخ این مرز و بوم بدل کرده است که می‌تواند کام مشتاقان را برای مدتی هر چند کوتاه شیرین کند.

---

۱. Lewis Hine

۲. Robert Louis Balfour Stevenson